

The Continuation of Inspector's Powers and Actions in Joint Stock Companies After Mandate Expiration: A Comparative Legal Analysis Based on Agency Theory

Seyed Mohsen Aziz, Assistant Professor, Department of Fiqh and Foundations of Law, Faculty of Theology, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran. 

Ali Shia Ali, Assistant Professor at Department of Jurisprudence  Fundamentals of Islamic Law, Shirvan Branch, Islamic Azad University, Shirvan, Iran (Corresponding Author)

Ghasem Abbasi, M.A. in Private Law, Eshragh University, Iran 

Received: 29 May. 2025

Revised: 4 Dec. 2025


Accepted: 27 Dec. 2025

Inspector/ Joint Stock Company/ Legal actions/ Continuation of mission/ Comparative law/ Agency theory

The continuity of the supervisory body's function in joint stock companies is a fundamental condition for the validity of decisions and the protection of stakeholders' interests. Although Article 144 of the 1968 Amendment to the Iranian Commercial Code stipulates a one-year term for the inspector's mandate, the legislator has not explicitly addressed the inspector's status after the expiration of this term, and this legal gap has led to doctrinal controversies and practical inconsistencies. This study, employing a descriptive-analytical method and adopting a comparative approach examining French and Egyptian law as well as new regulations concerning Iranian state-owned and cooperative companies, investigates the scope and effects of the inspector's legal actions during the interim period between the expiration of the legal term and the election of a successor. The novelty of this article lies in the conceptual distinction between the "legal status of the inspector" and the "legal actions of the inspector," analyzing the continuation of their authority in light of agency theory and the principle of continuity of the supervisory institution. The findings indicate that, considering the mandatory presence of the inspector for the validity of financial statements (Article 153) and by analogy with various legal provisions such as Article 263 of the 2013 Law on Legal Entities and Commercial Companies and Article 61 of the National Iranian Oil Company Statute, the continuation of the former inspector's duties and powers until the appointment of a successor represents an interpretation consistent with the legislator's intent and the underlying philosophy of the supervisory institution. Finally, a proposed framework for amending Article 144 and defining the scope of the inspector's authority during the interim period is presented.

l. shiaali@iau.ac.ir

JEL Classification: K22, G34, D23

 <https://doi.org/10.22034/ijts.2025.2062135.4148>

Data Availability: The data used or generated in this research are presented in the text of the article.

Conflicts of Interest: The authors of this paper declared no conflict of interest regarding the authorship or publication of this article.

فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۱۱۷، دوره ۳۰، زمستان ۱۴۰۴، ۱۷۲-۱۴۹

مقاله پژوهشی

تحلیل حقوقی استمرار اعمال و اختیارات بازرسی شرکت‌های سهامی پس از انقضای مدت مأموریت: رویکردی تطبیقی و مبتنی بر نظریه نمایندگی

سید محسن آذیز*  علی شیعه علی** 
قاسم عباسی*** 

دریافت: ۱۴۰۴/۰۳/۰۸ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۹/۱۳ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۰/۰۶

بازرس/ شرکت سهامی/ اعمال حقوقی/ استمرار مأموریت/ حقوق تطبیقی/ نظریه نمایندگی

چکیده

استمرار عملکرد رکن نظارت در شرکت‌های سهامی، شرط اساسی اعتبار تصمیمات و حفظ منافع ذی‌نفعان است. با وجود تعیین دوره یک‌ساله برای مأموریت بازرسی در ماده ۱۴۴ لایحه اصلاحی قانون تجارت ۱۳۴۷، قانون‌گذار در خصوص وضعیت بازرسی پس از انقضای مدت، تصریح روشنی ندارد و این خلأ، منشأ اختلاف نظرهای دکترین و رویه عملی شده است. پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از رویکرد تطبیقی در حقوق فرانسه، مصر و مقررات جدید شرکت‌های دولتی و تعاونی ایران، به بررسی حدود و آثار «اعمال حقوقی بازرسی» در دوره فترت میان پایان دوره قانونی و انتخاب جانشین می‌پردازد. نوآوری مقاله در

*. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق دانشکده الهیات دانشگاه حکیم سبزواری سبزواری ایران


Sm.aziz@hsu.ac.ir

** استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد شیروان، دانشگاه آزاد اسلامی، شیروان، ایران shiaali@iau.ac.ir

safir8381@yahoo.com

*** کارشناس ارشد حقوق خصوصی دانشگاه اشراق

■ نویسنده مسئول، علی شیعه علی

 <https://doi.org/10.22034/ijts.2025.2062135.4148>

تفکیک مفهومی میان «وضعیت حقوقی بازرس» و «اعمال حقوقی بازرس» و تحلیل استمرار اختیارات وی در پرتو نظریه نمایندگی و اصل بقاء نهاد نظارتی است. یافته‌ها نشان می‌دهد که با توجه به الزامی بودن حضور بازرس برای اعتبار صورت‌های مالی (ماده ۱۵۳) و قیاس اولویت از مقررات قانونی متعدد همچون ماده ۲۶۳ قانون اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری (۱۳۹۲) و ماده ۶۱ اساسنامه شرکت ملی نفت، استمرار وظایف و اختیارات بازرس سابق تا تعیین جانشین، تفسیر سازگار با اراده قانون‌گذار و فلسفه وجودی نهاد نظارتی است. در پایان، چارچوبی پیشنهادی برای اصلاح ماده ۱۴۴ و تعیین حدود اختیارات بازرس در دوره فترت ارائه می‌شود.

طبقه بندی JEL: K22, G34, D23

۱. مقدمه

بازرسی، از ارکان بنیادین نظام حکمرانی شرکتی است و تضمین‌کننده شفافیت، پاسخ‌گویی و سلامت تصمیمات مدیران در شرکت‌های سهامی محسوب می‌شود. اهمیت این نهاد در جایی آشکارتر می‌گردد که بروز اختلاف میان سهامداران یا عدم تشکیل مجامع عمومی، انتخاب مدیران و بازرسان را برای دوره‌های طولانی با اختلال مواجه می‌سازد. در چنین وضعیتی، تداوم فعالیت شرکت در گرو تفسیر صحیح از حدود اختیارات و وضعیت حقوقی مدیران و بازرسان پس از انقضای دوره قانونی خواهد بود. ماده ۱۳۶ لایحه اصلاحی قانون تجارت، ادامه مأموریت مدیران را تا تعیین جانشین تجویز کرده است، اما در خصوص بازرس، قانون‌گذار سکوت کرده و همین سکوت منشأ دو دیدگاه متعارض در فقه‌القانون تجارت شده است. از یک سو، گروهی با تکیه بر نص ماده ۱۴۴، پایان مأموریت بازرس را پس از یک سال قطعی دانسته و استمرار آن را فاقد مستند قانونی می‌دانند. از سوی دیگر، شماری از حقوقدانان و رویه‌های اداری و قضایی بر این باورند که فلسفه وجودی رکن نظارتی، اقتضا می‌کند که بازرس تا زمان تعیین جانشین، وظایف خود را استمرار بخشد.

بررسی منابع نشان می‌دهد که اگرچه بحث «وضعیت حقوقی بازرس در دوره فترت» در آثار حقوق تجارت مطرح شده، اما «اعمال حقوقی بازرس» به عنوان مجموعه اقداماتی که آثار حقوقی نسبت به شرکت یا اشخاص ثالث دارد، به طور مستقل و نظام‌مند واکاوی نشده است. نوآوری پژوهش حاضر، تفکیک این دو مفهوم و تحلیل استمرار اختیارات بازرس در پرتو نظریه نمایندگی، اصل تداوم نهاد نظارتی و مقایسه با الگوهای حقوق تطبیقی است. پرسش اصلی این است: آیا بازرس پس از پایان دوره قانونی، همچنان حق و تکلیف انجام اعمال حقوقی نظارتی را دارد؟ و در صورت مثبت بودن پاسخ، حدود این اختیارات چیست؟ این مقاله با رویکرد تحلیلی-تطبیقی و با اتکاء به اسناد قانونی، رویه قضایی و دکتین، می‌کوشد پاسخی مستدل، منسجم و قابل استناد به این پرسش ارائه دهد و در نهایت، راهکارهای اصلاحی برای رفع تعارض‌ها و خلأهای موجود پیشنهاد می‌کند.

۲. تعاریف و اصطلاحات

۲-۱. بازرس (Inspecteur)

کسی که از طرف وزارتخانه‌ها و اداره‌ها به کارهای کارمندان و کارکنان رسیدگی کرده درستی یا نادرستی کارهای آنها را به مقامات مربوط آگاهی می‌دهد.^۱ اما در شرکت‌های تجاری بازرس شخصی است حقیقی و یا حقوقی که برابر مقررات قانونی و اساسنامه شرکت توسط مجمع عمومی با رای مستقیم صاحبان سهام برای مدت یک سال به منظور نظارت بر اعمال مدیران، مدیر عامل و عملکرد کارکنان شرکت تجاری انتخاب می‌شود.

۲-۲. شرکت

عبارت است از اجتماع حقوق چند مالک در شیء معین به نحو اشاعه خواه به حکم قانون باشد یا به تراضی^۱. اجتماع حقوق مالکین متعدد در شیء واحد به نحو اشاعه که ممکن است اختیاری و با اراده طرفین باشد و یا قهری و اجباری (قانون مدنی ماده ۵۷۱).

۲-۳. مجمع عمومی

عبارت است از اجتماع صاحبان سهام در شرکت‌های تجاری جهت اتخاذ تصمیمات برابر مقررات اساسنامه و قانون (ماده ۷۲۲ لایحه اصلاحی قانون تجارت).

۲-۴. سال مالی

عبارت است از مدت زمان فعالیت اقتصادی شرکت تجاری در مدت یک سال شمسی که معمولاً از یکم فرودین تا بیست و نهم اسفند هر سال می‌باشد.

۲-۵. شخص (Personne)

کسی که موضوع حق قرار می‌گیرد، مانند انسان و شرکت تجاری و انجمن‌های خیریه و دولت، اعم از حقیقی یا حقوقی^۲.

الف: شخص حقیقی مختص انسان می‌باشد که شخصیت آن با زنده متولد شدن شروع و با مرگ وی خاتمه می‌یابد.

ب: شخص حقوقی (Personne morale ou juridique): شامل دولت، مؤسسات دولتی، شرکت‌های دولتی، مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی، مؤسسات غیرتجارتی، شرکت‌های تجاری و موقوفات و... است. اشخاص حقوقی پس از ثبت نزد مرجع ثبت شرکت‌ها شخصیت آنها ایجاد می‌شود. اشخاص حقوقی دارای کلیه حقوق و تکالیفی است که قانون برای اشخاص حقیقی قائل شده است، به جز حقوق و تکالیفی که مختص انسان می‌باشد^۳.

۲-۶. «اعمال حقوقی بازرسی»

به اقداماتی اطلاق می‌شود که واجد اثر حقوقی نسبت به شرکت یا اشخاص ثالث است، مانند ارائه گزارش به مجمع عمومی (ماده ۱۴۷)، تقاضای تشکیل مجمع (ماده ۱۵۳)، یا اعلام وقوع تخلف مدیران به مرجع قضایی. این مفهوم با «وضعیت حقوقی بازرسی» که به موقعیت و حدود اختیارات او در ساختار شرکت

۱. جعفری لنگرودی ۱۳۸۸ ترمینولوژی حقوق ص ۳۸۶

۲. جعفری لنگرودی ۱۳۸۸ ترمینولوژی حقوق ص ۳۷۸ ش ۳۰۲۹

۳. جعفری لنگرودی ۱۳۸۸ ترمینولوژی حقوق ص ۳۷۸ ش ۳۰۳۱

اشاره دارد تفاوت دارد^۱. در واقع اعمال حقوقی بازرس جنبه نظارتی دارد نه تصرفی؛ بنابراین بازرس اعمال تملیکی انجام نمی‌دهد، بلکه مشروعیت تصمیمات مدیران را از حیث رعایت قانون کنترل می‌کند^۲.

۳. جایگاه حقوقی بازرس

بازرس یکی از ارکان اساسی نظام کنترلی شرکت‌های سهامی است؛ هرچند لایحه اصلاحی قانون تجارت ۱۳۴۷ مانند برخی قوانین اروپایی، فهرست صریحی از ارکان شرکت ارائه نکرده، اما از مجموعه مقررات مواد ۱۴۴ تا ۱۵۳ می‌توان استنباط کرد که بازرس در کنار مجمع عمومی و هیات‌مدیره، یک رکن مستقل و الزامی شرکت است^۳. جایگاه بازرس در هرم حکمرانی شرکتی، در طول مجمع عمومی و در عرض هیات‌مدیره است؛ زیرا بازرس مستقیماً توسط مجمع انتخاب می‌شود و برخلاف مدیران، هیچ رابطه سلسله مراتبی یا تابعیتی نسبت به هیات‌مدیره ندارد^۴. این استقلال برای تضمین سلامت گزارش‌ها و اعتبار صورت‌های مالی ضروری است.

از منظر فلسفه حقوق تجارت، وجود بازرس مبتنی بر سه اصل بنیادین است: نظریه نمایندگی؛ سهامداران از طریق بازرس حق نظارت بر مدیران را اعمال می‌کنند^۵. اصل شفافیت و افشای اطلاعات صحیح برای بازار و اشخاص ثالث. اصل استمرار نهاد نظارتی که غیبت آن موجب اختلال در مشروعیت تصمیمات شرکت می‌شود^۶.

این اصول در حقوق فرانسه نیز پذیرفته شده و ماده L.۸۲۳-۱ قانون تجارت فرانسه، بر ضرورت وجود بازرس تا تعیین جانشین تأکید دارد^۷.

بنابراین جایگاه بازرس در نظام حقوقی ایران با فلسفه وجودی آن سازگار است و سازوکارهای قانونی، نقش وی را در اعتباربخشی به اعمال مدیران ضروری می‌دانند. لذا فلسفه وجودی رکن بازرسی را می‌توان در نظریه نمایندگی و اصل شفافیت جست‌وجو کرد. بازرس نماینده جمعی سهامداران است که به موجب قانون، وظیفه دارد از منافع عمومی شرکت در برابر مدیران دفاع کند. بر اساس نظریه نهادگرایی در حقوق شرکت‌ها، استمرار مأموریت بازرس تا تعیین جانشین، ضامن پیوستگی نظارت و جلوگیری از خلأ در ساختار کنترلی شرکت است^۸. از دید فلسفه حقوق، نهاد نظارتی بدون استمرار، قابلیت تحقق غایت خود. یعنی پیشگیری از سوءمدیریت را از دست می‌دهد^۹.

۱. ستوده تهرانی، ۱۳۸۸، ص. ۲۴۴؛ اسکینی، ۱۳۸۹، ص. ۲۳۲

۲. کاتوزیان، ۱۳۸۷، ص. ۱۰۷

۳. اسکینی، ۱۳۸۹، ص. ۲۳۲

۴. ستوده تهرانی، ۱۳۸۸، ص. ۲۴۱

۵. فرحناکیان، ۱۳۹۵، ص. ۱۹۰

6. Merle & Fauchon, 2017, p. 412

7. Lamy, 2019, p. 321

۸. اسکینی، ۱۳۸۹، ص. ۲۳۵؛ فرحناکیان، ۱۳۹۵، ص. ۱۹۰

۹. کاتوزیان، ۱۳۸۷، ص. ۱۱۲

۴. مسئولیت‌های بازرس

مسئولیت بازرس دارای دو بعد موازی است: الف) مسئولیت مدنی در برابر شرکت و اشخاص ثالث ب) مسئولیت کیفری در صورت ترک تکلیف یا اعلام نکردن تخلفات مدیران، طبق ماده ۱۵۱ لایحه اصلاحی قانون تجارت، بازرس در صورت قصور یا تقصیر در انجام وظایف، مسئول جبران خسارت است. دکتترین نیز بر این امر تأکید کرده‌اند که مسئولیت بازرس، از حیث جایگاه نظارتی، حتی سنگین‌تر از مسئولیت مدیران است؛ زیرا مدیران اعمال خود را انجام می‌دهند، ولی بازرس باید علاوه بر بررسی تمام اعمال مدیران، صحت آن‌ها را تضمین کند. کاتوزیان، با تحلیل مفهوم «عدم نظارت مؤثر»، این ترک فعل را نوعی تقصیر حرفه‌ای دانسته است.^۱ بنابراین سکوت بازرس در برابر تخلفات مالی، ممکن است موجب مسئولیت کیفری موضوع تبانی، کتمان واقعیت یا معاونت در جرم گردد.^۲ در نظام تطبیقی نیز بازرس دارای مسئولیت مدنی و کیفری است؛ ماده ۸۲۳-۱۲ قانون تجارت فرانسه، بازرس را مسئول قصور حرفه‌ای می‌داند.^۳ بازرس در مقابل شرکت و اشخاص ثالث نسبت به تخلفاتی که در انجام وظایف خود مرتکب می‌شوند، طبق قواعد عمومی مربوط به مسئولیت مدنی، مسئول جبران خسارت وارده خواهد بود. مسلماً علاوه بر مسئولیت مدنی، اگر تخلف در وظایف قانونی تعمدی و همراه با معاونت یا مشارکت در امور جزایی ارتكابی از سوی مدیر یا مدیران باشد، مسئولیت کیفری متوجه بازرس نیز خواهد شد^۴ و یا مشارکت در امور جزایی ارتكابی از سوی هر یک از اعضای دیگر شرکت نیز مسئولیت کیفری را متوجه بازرس خواهد کرد؛ به علاوه، بازرس ممکن است در بازرسی خود نیز به صورتی جدا از مدیران و سایر اعضای شرکت مرتکب جرمی شود؛ مثلاً در صورتی که بازرس متوجه جرمی شود که شخص طرف معامله شرکت مرتکب جرمی که باعث ورود ضرر به شرکت شده است ولی آن را نادیده بگیرد، مسئولیت کیفری متوجه او خواهد شد. مسئولیت بازرس از جهت جایگاه سازمانی نسبت به شرکت در مرتبه‌ای حساس‌تر و تابع احکام دقیق‌تری در مقایسه با مدیران قرار دارد. چرا که بازرس باید ضمن مراقبت جریان امور اداره شرکت، بر امانت‌داری مدیران نیز نظارت داشته است و بنابراین بر حسب مورد، مسئولیت مدنی یا کیفری بر آنان تحمیل می‌گردد.^۵

۵. مدت ماموریت بازرسان

برابر ماده ۱۴۴ لایحه اصلاحی قانون تجارت ۱۳۴۷ مدت ماموریت بازرس یک سال است البته منظور از یک سال، سال مالی است که مجمع عمومی در آن بازرس جدید را انتخاب می‌نماید.^۶ با توجه به اینکه

۱. ستوده تهرانی، ۱۳۸۸، ص. ۲۴۴

۲. کاتوزیان، ۱۳۸۷، ص. ۱۰۸

۳. اسکینی، ۱۳۸۹، ص. ۲۳۵

۴. اسکینی ۱۳۸۹، ص. ۲۳۶-۲۳۴

۵. ستوده تهرانی، ۱۳۸۸، ص. ۲۴۴-۲۴۱

۶. ستوده تهرانی، ۱۳۸۸، ص. ۲۴۴-۲۴۱

بازرس باید وضعیت اداری و مالی شرکت را به خوبی بشناسد این مدت زمان کمی به نظر می‌رسد به همین دلیل در حال حاضر در قانون فرانسه مدت مأموریت بازرس را شش سال مالی قرار داده است و انتخاب مجدد آنان را نیز بلامانع دانسته است^۱، اما در قانون سال ۱۳۹۲ شرکت‌های تجاری انتخاب چهار دوره یکساله متوالی بلامانع دانسته شده است. قانون شرکت‌های تعاونی مصوب ۱۳۵۰ مجلس سنا و مجلس شورای ملی رسیده است. در ماده ۵۶ می‌گوید: «با خاتمه مدت مأموریت بازرسان تا زمانی که جانشین آنها انتخاب نشده‌اند، بازرسان قبلی کماکان مسئولیت انجام وظایف محوله را بر عهده خواهند داشت». در مقررات قانون اساسنامه شرکت ملی نفت که در جلسه ۱۳۹۵/۱/۲۳ کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی، تصویب و در تاریخ ۱۳۹۵/۲/۲۷ جهت اجرا ابلاغ گردیده در خصوص ادامه کار بازرس شرکت‌های تجاری پس از انقضای مدت مأموریت در ماده ۶۱ آمده است: «حسابرس مستقل و بازرس قانونی در صورت انقضای مدت تصدی تا تشکیل اولین مجمع عمومی عادی مسئولیت‌های مقرر در این اساسنامه را بر عهده دارد». مضافاً بر این، در تبصره ۳ ماده ۵۰ اساسنامه شرکت بورس کالای ایران آمده است: «مجمع عمومی عادی با موافقت سازمان در هر زمان که بخواهد، می‌تواند بازرس حسابرس اصلی و علی‌البدل را با تعیین جانشین برکنار کند». در قسمت آخر ماده ۱۴۴ لایحه اصلاحی قانون تجارت نیز تصریح شده است مجمع عمومی هر موقع می‌تواند بازرس و یا بازرسان را عزل کند مشروط به اینکه جانشین آن را تعیین کند. با عنایت به مقررات قانونی ذکر شده مستفاد می‌شود اراده قانونگذار بر این است مادام که جانشین برای بازرس یا بازرسان در شرکت‌های تجاری تعیین نشده مأموریت آنان کمافی السابق ادامه می‌یابد.

۶. عزل بازرس

همانطور که انتخاب بازرس از اختیارات مجمع عمومی می‌باشد، عزل او نیز از اختیارات همین مجمع است^۲. به موجب قسمت آخر ماده ۱۴۴ لایحه قانون تجارت مجمع عمومی عادی، در هر موقع می‌تواند بازرس و یا بازرسان را عزل کند، به شرط آنکه جانشین آنها را نیز انتخاب نماید. این راه حل، بدون شک، یکی از نقایص نظام حقوقی ایران است زیرا استقلال بازرس را محدود می‌کند. قانونگذار فرانسه در ماده ۲۲۶ قانون ۱۹۶۶ (ماده ۷-۸۳۳L قانون تجارت فعلی) عزل بازرس را به تحقق شرایط سختی موکول کرده است؛ بدین ترتیب که اولاً دلیل عزل باید خطا و یا معذوریت بازرس باشد. ثانیاً عزل او از دادگاه تجارت، که در وقت فوق‌العاده به این امور رسیدگی می‌کند، درخواست شود^۳. در نظام حقوقی ما، وضع بازرس از این لحاظ شبیه وضع مدیران است که در هر وقت قابل عزل هستند. بازرس بابت عزل خود نمی‌تواند تقاضای خسارت کند، مگر آنکه، مطابق قواعد عام مسئولیت مدنی، وجود خسارت به خود و خطای اعضای مجمع (تصمیم‌گیرندگان) و نیز ارتباط بین خطا و خسارت را ثابت کند و صرف ادعا، که او بدون

۱. اسکینی ۱۳۸۹، ص-۲۲۸-۲۲۰

۲. ستوده تهرانی ۱۳۸۸، ص ۱۶۳

۳. اسکینی ۱۳۸۹، ص ۲۲۹

دلیل غیرموجه توسط مجمع عزل شده است کافی نیست. به هر حال، همان طور که در قسمت آخر ماده ۱۴۴ لایحه قانونی آمده است، مجمع عمومی می‌تواند بازرس و یا بازرسان را عزل کند مشروط به اینکه جانشین آنها را نیز انتخاب کند. به عبارت دیگر مجمع عمومی نمی‌تواند بازرس را عزل کند مگر اینکه در همان جلسه جانشین وی را نیز تعیین نماید.

۷. الزام مجمع عمومی به تعیین جانشین بازرس معزول

هرگاه تصمیم مجمع مبنی بر عزل بازرس متضمن تعیین جانشین برای آنها نباشد، اثر این تصمیم چیست؟ برای پاسخ به این سؤال باید ماده ۱۴۶ لایحه اصلاحی قانون تجارت مورد توجه قرار گیرد که مقرر نموده است. مجمع عمومی باید یک یا چند بازرس علی‌البدل نیز انتخاب کند تا در صورت معذوریت یا فوت یا استعفا یا سلب شرایط یا عدم قبول سمت توسط بازرس و یا بازرسان اصلی جهت انجام وظایف بازرسی دعوت شوند. در ماده مذکور صراحتاً به مواردی که بازرس علی‌البدل بایستی دعوت شود، بیان شده است. معذوریت، فوت، استعفا، سلب شرایط یا عدم قبول سمت توسط بازرس و یا بازرسان اصلی. به نظر می‌رسد بازرس علی‌البدل زمانی صلاحیت دارد مسئولیت بازرسی را بر عهده بگیرد که بازرس اصلی به دلیل یکی از موارد مندرج در ماده ۱۴۶ قادر به انجام وظایف بازرسی نباشد. بنابراین حتی اگر شرکت بازرس علی‌البدل داشته باشد مجمع باید جانشین بازرس معزول را انتخاب کند در غیر این صورت هر ذینفع می‌تواند از دادگاه درخواست کند که جانشین بازرس اصلی را تعیین و از فعالیت بازرس علی‌البدل جلوگیری نماید^۱.

۸. ادامه ماموریت بازرس پس از انقضای مدت ماموریت در شرکت‌های سهامی

بسیار مشاهده شده است با انقضای مدت ماموریت مدیران و بازرسان به طور هم‌زمان، بنا بر دلایل مختلف از جمله انقضای زمان حیات قانونی شرکت، اختلافات بین سهامداران دستور وقت محاکم قضایی مبنی بر عدم ثبت صورت جلسه مجمع در مرجع ثبت شرکت‌ها و یا تشکیل پرونده قضایی و منجر به عدم برگزاری مجمع عمومی و در نتیجه عدم انتخاب مدیران و بازرسان جدید گردیده است. در خصوص ادامه ماموریت هیات مدیره طبق ماده ۱۳۶ لایحه اصلاحی قانون تجارت، امورات شرکت مختل نمی‌شود، هر چند که مدیران از این ناحیه بعضاً مشکلاتی دارند، ولی آنچه که مشکل آفرین است، اعتقاد به عدم تسری مدت ماموریت بازرسان به پس از انقضای مدت ماموریت می‌باشد، مقاله حاضر در صدد آن است که اثبات نماید با عنایت به اینکه بازرس یکی از ارکان شرکت است، عاقلانه و منطقی به نظر نمی‌رسد که رکن اجرایی (هیات مدیره) و مدیر و کارگزار آن پس از انقضای مدت ماموریت کمافی‌السابق به فعالیت خود ادامه بدهند ولی رکن نظارتی که مشروعیت اعمال مدیران به آن بستگی دارد بلا تصدی بماند. به هر حال در لایحه اصلاحی قانون تجارت در مورد ادامه ماموریت بازرس پس از انقضای مدت ماموریت نصی وجود

ندارد، لذا به جهت روشن شدن وضعیت ادامه مأموریت بازرسان پس از انقضای مأموریت آنها مطالب آتی تحت عنوان ادامه مأموریت بازرس پس از انقضای مدت مأموریت در شرکت‌های تجاری بررسی می‌شود. در این خصوص، دو نظریه موجود می‌باشد: نظریه عدم تسری مأموریت بازرسان به پس از انقضای مدت مأموریت و نظریه تسری مأموریت بازرسان به پس از انقضای مدت مأموریت، که در این مقاله از آنها به طور خلاصه به نظریه عدم تسری و نظریه تسری نام می‌بریم. وفق ماده ۱۴۴ لایحه اصلاحی قانون تجارت مدت مأموریت بازرس یک سال از زمان انتخاب به وسیله مجمع عمومی می‌باشد. با توجه به ضرورت شناخت لازم و کافی بازرسان از وضعیت اداری و مالی شرکت، یک سال زمان کافی به نظر نمی‌رسد (به همین دلیل، قانونگذار فرانسه برای تثبیت وضع بازرس در شرکت‌های تجاری مأموریت آنان را به طور مرتب افزایش داده و در حال حاضر به شش سال مالی رسانده است ماده ۳۸۳۳L قانون تجارت). قانونگذار کشور ما چنین راه‌حلی را پیش‌بینی نکرده است، ولی مانند قانونگذار فرانسه، انتخاب مجدد بازرس را در لایحه اصلاحی قانون تجارت بدون محدودیت انتخاب مکرر بلامانع اعلام نموده است. ولی قانون اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری (کتاب دوم قانون تجارت ۱۳۹۲) انتخاب بازرس را چهار دوره متوالی بلامانع دانسته است. همانگونه که بیان شد بسیار مشاهده شده با انقضای مدت مأموریت بازرس، بنا به دلایل مختلفی که در بالا به آنها اشاره شد؛ منجر به عدم انتخاب بازرس جدید گردیده است. در مورد ادامه مسئولیت بازرس قانونی در شرکت‌های تجاری نصی در لایحه اصلاحی قانون تجارت وجود ندارد. ولی در مقررات دیگری به صراحت اعلام می‌کند مأموریت بازرس و یا بازرسان پس از انقضای مدت مأموریت تا انتخاب بازرس جدید ادامه می‌یابد. مع الوصف در این خصوص، دو نظریه مطرح می‌باشد. نظریه‌ای که اعتقاد به تسری مأموریت بازرسان به پس از انقضای مدت مأموریت ندارد و نظریه دیگری که معتقد به تسری مأموریت بازرسان به پس از انقضای مدت مأموریت می‌باشد که در ذیل مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۸-۱. مدت مأموریت بازرس بر اساس نظریه عدم تسری مأموریت

برابر نظریه عدم تسری عده‌ای اعتقاد دارند که با گذشت یک سال از زمان انتخاب بازرس مأموریت وی خاتمه می‌یابد حتی اگر مجمع عمومی بازرس انتخاب نکرده باشد. طرفداران این نظریه معتقدند ماده ۱۳۶ لایحه اصلاحی قانون تجارت در مورد بازرسان قابل اعمال نمی‌باشد و منحصرًا مشمول مدیران است و نمی‌توان از آن وحدت ملاک در مورد بازرسان مستفاد نمود. دلیلشان هم این است که قانونگذار در ماده ۱۴۴ لایحه اصلاحی قانون تجارت تصریح نموده مجمع عمومی در هر سال یک یا چند نفر بازرس انتخاب می‌کنند، بنابراین مدت مأموریت بازرس فقط یک سال می‌باشد. در نتیجه شرکت تا انتخاب بازرس جدید بدون بازرس به فعالیت خود ادامه می‌دهد و هر ذینفعی می‌تواند از دادگاه تقاضای نصب بازرس نماید.

۸-۲. مدت مأموریت بازرس بر اساس نظریه تسری مأموریت

نظریه دوم عکس نظریه اول می‌باشد، طرفداران این نظریه بر آن است که با گذشت یک سال از مأموریت بازرس، مأموریت وی خاتمه نمی‌یابد و مأموریت بازرس سابق تا انتخاب بازرس جدید توسط مجمع عمومی و یا انتصاب بازرس توسط دادگاه و ثبت تغییرات آن در مرجع ثبت شرکت‌ها درج آگهی تغییرات

ادامه می‌یابد. به نظر می‌رسد اخیراً موضع نظریه دوم تقویت شده به طوری که در قانون اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری و قانون اساسنامه شرکت ملی نفت ایران که حاکی از آخرین اراده قانونگذار می‌باشد، به این موضوع توجه شده است. مع الوصف به نظر می‌رسد نظریه اول با اراده قانونگذار منافات دارد زیرا منطقی نیست و با فلسفه وجودی و کارکرد رکن نظارتی شرکت سازگاری ندارد و با منافع صاحبان سهام و هر ذینفعی در تضاد است. از سوی دیگر شخصیت حقوقی شرکت بدون بازرس کامل نیست و حیات شخصیت حقوقی شرکت تجاری منوط به وجود بازرس می‌باشد و صحت اعمال حقوقی مدیران شرکت به تایید بازرس بستگی دارد. چنانچه مأموریت بازرس منحصر در یک سال (۳۶۵ روز) باشد، روز بعد از آن (روز ۳۶۶) جزو مأموریت بازرس محسوب نمی‌شود و به طریق اولی مأموریت بازرس به روز ماقبل از انتخاب او به این سمت نیز قابل تسری نخواهد بود. در نتیجه، بازرس جدید به دلیل فقدان سمت در مورد اعمال حقوقی که مدیران قبل از انتخاب وی انجام داده نمی‌تواند اظهار نظر کند و به مجمع گزارش دهند. در نتیجه به صراحت ماده ۱۵۳ لایحه اصلاحی قانون تجارت مصوبات مجمع عمومی مستند به گزارش مدیران بدون گزارش بازرس تصویب شده باشد فاقد اعتبار است و به سخن دیگر اعمال حقوقی مدیران باطل می‌باشد. در حقوق فرانسه مطابق ماده L. ۸۲۳-۱ از مأموریت بازرس تا تعیین جانشین ادامه دارد و در دوره فترت، صلاحیت انجام اعمال نظارتی محدود ولی مؤثر باقی می‌ماند.^۱ این راه حل قانونی از بروز خلأ نظارتی جلوگیری می‌کند و می‌تواند الگویی مناسب برای اصلاح ماده ۱۴۴ قانون تجارت ایران باشد.

۸-۳. دلایل رد نظریه عدم تسری مأموریت بازرس به بعد از انقضای مدت مأموریت

الف) همان گونه که قبلاً نیز بیان شد، عبارت «هر سال» در ابتدای ماده ۱۴۴ لایحه اصلاحی قانون تجارت، در مقام بیان زمان انتخاب بازرس قانونی می‌باشد، نه در مقام اعلام پایان مأموریت و یا عدم تسری مدت مأموریت بازرس سابق تا انتخاب بازرس لاحق زیرا قسمت اول ماده ۱۴۴ لایحه اصلاحی قانون تجارت ۱۳۴۷ ناظر به ماده ۸۹ قانون مذکور مبنی بر برگزاری مجمع عمومی در شرایط عادی می‌باشد، نه در شرایط غیرمعتارف از قبیل حادث شدن حوادث غیر قابل پیش‌بینی مانند زلزله، سیل و یا اختلاف بین سهامداران واحکام حکومتی و دستورات قضایی و صدر ماده ۱۴۴ لایحه مذکور با فرض تحقق ماده ۸۹ قانون یاد شده مجامع طبق روال و در شرایط عادی برگزار شود و مدیران گزارش عملکرد خودشان را بدهند و ترازنامه سود و زیان قرائت شود و بازرسان گزارش خود را به مجمع ارائه کنند و هیچ‌گونه موانع وجود نداشته باشد و به تبع انتخاب بازرس و یا بازرسان هم صورت خواهد گرفت. قسمت آخر ماده ۱۴۴ قانون یاد شده ناظر به شرایط غیرعادی است. بحث از عزل و انتخاب بازرس می‌باشد، در این شرایط ممکن است مجمع عمومی قادر به تصمیم‌گیری نباشد، زیرا بازرس سابق هم طرفدارانی در مجمع دارد و بعضاً احتمال درگیری فیزیکی بین سهامداران نیز متصور است. قسمت آخر ماده ۱۴۴ ناظر به چنین

1. Lamy, 2019, p. 321

شرایطی است که می‌گوید: مجمع عمومی هر موقع بخواهد می‌تواند بازرس و یا بازرسان را عزل کند مشروط به اینکه جانشین آن را نیز تعیین کند. حال با فرض وجود اختلافات شدید بین سهامداران در عزل و یا تعیین جانشین و یا انتخاب بازرس جدید منتج به تصمیم‌گیری نشود. از قسمت آخر ماده ۱۴۴ لایحه اصلاحی مستفاد می‌شود، مادام که مجمع عمومی جانشین بازرس را تعیین نکرده است، مأموریت بازرس ادامه می‌یابد. لذا نظریه عدم تسری مأموریت بازرس به پس از اتمام مأموریت مردود است.

ب) ماده ۱۴۶ لایحه اصلاحی قانون تجارت صراحت دارد مجمع عمومی باید یک یا چند بازرس علی‌البدل انتخاب کند تا در صورت معذوریت و ... بازرس و یا بازرسان اصلی انجام وظیفه نمایند. ماده ۱۵۳ لایحه اصلاحی قانون تجارت می‌گوید در صورت عدم تعیین بازرس توسط مجمع عمومی دادگاه به تعداد مقرر در اساسنامه شرکت بازرس انتخاب خواهد کرد. از این دو ماده اهمیت و نقش بازرس در شرکت‌های تجاری استنباط می‌شود و نظر مقنن نیز این است که جایگاه بازرس تحت هیچ شرایطی نباید در شرکت بلا تصدی بماند. مثال: چنانچه مجمعی وفق مقررات برگزار شود ولی نتواند به تمام موضوعات مندرج در دستور کار مجمع عمومی رسیدگی کند و برابر ماده ۱۰۴ لایحه اصلاحی قانون تجارت رئیس مجمع عمومی اعلام تنفس نماید و اتفاقاً یکی از موضوعاتی باقیمانده انتخاب بازرس باشد و در این فاصله زمانی (از لحظه اعلام تنفس تا تشکیل جلسه بعدی مجمع) شرکت در این مدت بدون بازرس خواهد بود (بنا بر نظریه عدم تسری). حال چنانچه مدیران شرکت در این مدت اعمال حقوقی انجام دهند که به صرفه و صلاح شرکت و در نهایت به سود سهامداران باشد و عدم انجام آن موجب زیان، در صورت انجام عمل حقوقی مورد نظر وضعیت حقوقی این عمل چگونه خواهد بود؟ به نظر می‌رسد با توجه به صراحت ماده ۱۵۳ لایحه اصلاحی قانون تجارت که می‌گوید: «در صورتی که مجمع عمومی بدون دریافت گزارش بازرس و یا براساس گزارش اشخاصی که برخلاف ماده ۱۴۷ این قانون به‌عنوان بازرس تعیین شده‌اند صورت‌داری و ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت را مورد تصویب قرار دهد این تصویب به هیچ‌وجه اثر قانونی نداشته و از درجه اعتبار ساقط خواهد بود». در نتیجه برابر نظریه عدم تسری مأموریت بازرس به پس از انقضای مأموریت، معامله مذکور باطل خواهد بود و این امر عاقلانه و منطقی به نظر نمی‌رسد. لذا به این جهت نیز نظریه عدم تسری مردود می‌باشد.

ج) لزوماً این چنین نیست که حکم یک موضوع و اراده قانونگذار در یک یا چند ماده قانونی مشخص بیان شده باشد، بلکه نظر مقنن در مواد گوناگون قوانین موضوعه منتشر می‌باشد، به همین جهت قانونگذار قضات محترم دادگستری را ملزم نموده است حکم هر مسئله را در قوانین موضوعه جستجو کنند و با توجه به جمیع قوانین حکم مسئله را صادر نمایند.

د) قانونگذار در مواد ۱۴۴ و ۱۱۰ در انتخاب و عزل نمایندگان اعم از مدیران و بازرسان شرایط یکسان و مشابه مقرر نموده است. ماده ۱۴۴ قانون مذکور بیان می‌کند مجمع عمومی در هر سال، یک یا چند بازرس انتخاب می‌کند و در هر موقع می‌تواند بازرسان را عزل کند به شرط آن که جانشین آن را نیز

انتخاب نماید^۱. ماده ۱۱۰ لایحه اصلاحی قانون تجارت می‌گوید اشخاص حقوقی را می‌توان به مدیریت شرکت انتخاب نمود. شخص حقوقی می‌تواند نماینده خود را عزل کند به شرط آن که در همان موقع جانشین وی را تعیین نماید. در نتیجه مشروط نمودن عزل مدیران و بازرسان به تعیین جانشینی، بدان معناست که اراده قانونگذار بر این تعلق گرفته است، مادام که جانشین برای آنان معین نشده است، آنها کما فی السابق دارای مسئولیت می‌باشند و هیچ‌گاه نباید رکنی از ارکان شرکت ناقص باشد، زیرا نقص رکن موجب فساد اعمال سایر ارکان شرکت خواهد شد. بنابراین نظریه عدم تسری قابل اعتنا نمی‌باشد.

۸-۴. مؤیدات نظریه تسری ماموریت بازرس به بعد از انقضای مدت ماموریت

الف) قانونگذار در ماده ۱۲۵ لایحه اصلاحی، مدیر عامل را به جهت تفویض اختیار مدیران به وی، نماینده شرکت می‌داند. به طریق اولی مدیران و بازرسان که با رای مستقیم سهامداران انتخاب می‌شوند نمایندگان سهامداران می‌باشند. به عبارت دیگر هیات مدیره نمایندگان عام و بازرسان نمایندگان خاص سهامداران محسوب می‌شوند. با این تفاوت که بازرسان رکن نظارتی بر اعمال رکن اجرایی می‌باشد. از سوی دیگر فلسفه وجودی بازرسان در شرکت‌های تجاری، که نظارت همه‌جانبه بر اعمال مدیران و مدیرعامل و کارکنان شرکت‌ها است و با این استدلال که ماده ۱۳۶ لایحه اصلاحی قانون تجارت ۱۳۴۷ ادامه ماموریت مدیران منعی ندارد ولی ادامه ماموریت بازرسان منتفی است، به طور قطع و یقین مغایر با اراده قانونگذار و فلسفه وجودی نهاد نظارتی در شرکت‌های تجاری می‌باشد کما اینکه این مؤید آن مطلب مقرراتی است که در قانون اشخاص حقوقی شرکت‌های تجاری (کتاب دوم قانون تجارت ۱۳۹۲) مورد توجه قانونگذار قرار گرفته است که در ماده ۲۶۳ می‌گوید: «بازرس و یا بازرسان در صورت انقضای مدت تصدی تا تشکیل اولین مجمع عمومی عادی مسئولیت‌های بازرس را برعهده دارند» و همچنین در ماده ۶۱ قانون اساسنامه شرکت ملی نفت ایران که در تاریخ ۱۳۹۵/۲/۲۷ جهت اجرا ابلاغ گردیده است در خصوص ادامه کار بازرس شرکت پس از انقضای مدت ماموریت می‌گوید: «حسابرس مستقل و بازرس قانونی در صورت انقضای مدت تصدی تا تشکیل اولین مجمع عمومی عادی مسئولیت‌های مقرر در این اساسنامه را برعهده دارد». و در تبصره ماده ۱۹ بیان می‌کند: «تصمیم‌گیری در مورد صورت‌های مالی شرکت در مجمع عمومی بدون تحویل و قرائت گزارش عملکرد هیات مدیره و حسابرس مستقل و بازرس قانونی، اعتبار ندارد». در همین مورد در تبصره ۳ ماده ۵۰ اساسنامه شرکت بورس کالای ایران در فصل پنجم اساسنامه می‌گوید: «مجمع عمومی عادی با موافقت سازمان در هر زمان که بخواهد، می‌تواند بازرس / حسابرس اصلی و علی‌البدل را با تعیین جانشین برکنار کند». ماده ۵۶ قانون شرکت‌های تعاونی مصوب ۱۳۵۰/۳/۵ مجلس سنا که در جلسه ۱۳۵۰/۳/۱۶ به تصویب مجلس شورای ملی رسیده، آمده است: «با خاتمه مدت ماموریت بازرسان تا زمانی که بازرسان جدید انتخاب نشده، بازرسان قبلی کماکان مسئولیت انجام وظایف محوله را برعهده خواهند داشت». همچنین در تبصره ۳ ماده ۳۶ اساسنامه شرکت تعاونی تولیدی زرین آرشیا گلستان به شماره ثبت ۱۰۰۵۴ با شناسه ملی ۱۰۳۸۰۳۷۵۴۴

اداره ثبت شرکت‌های مینودشت، مقرر شده است: «تا زمانی که بازرسان جدید انتخاب نشده و قبول سمت نکرده‌اند، بازرسان قبلی مسئولیت بازرسی را برعهده دارند». با عنایت به استدلال قانونی ذکرشده تماماً از تایید تسری مأموریت بازرسان پس از انقضای مدت مأموریت حکایت دارد.

ب) قانونگذار حضور بازرس و گزارش او را در شرکت‌های سهامی آن قدر بااهمیت، جدی و ضروری فرض کرده است و برای اینکه جایگاه بازرس در شرکت هیچ‌گاه بلا تصدی نماند. به موجب ماده ۱۵۳ لایحه اصلاحی قانون تجارت مقررنموده است، مصوبات مجمع عمومی را که به استناد گزارش مدیران و بدون گزارش بازرس صورت گرفته باشد، فاقد ارزش قانونی اعلام نموده است. حال با این وصف، این سوال مطرح می‌شود که چه طور ممکن است به عدم تسری مدت مأموریت بازرس به پس از انقضای مدت یک سال معتقد بود؟ با توجه به ضرورت و اهمیت حضور بازرس به صورت مستمر در شرکت‌های تجاری به طور قطع و یقین اعتقاد به عدم تسری مأموریت بازرس به پس از انقضای مدت مأموریت قابل قبول نمی‌باشد.

ج) برابر ماده ۱۰۶ لایحه اصلاحی قانون تجارت، در مواردی که تصمیمات مجمع متضمن انتخاب مدیران و بازرس قانونی باشد یک نسخه از صورت جلسه مجمع جهت ثبت به مرجع ثبت شرکت‌ها ارسال می‌گردد و به صراحت ماده ۷ قانون ثبت شرکت‌ها که می‌گوید تغییرات راجع به نمایندگان (اعم از اعضای هیات مدیره، بازرس و نمایندگان اشخاص حقوقی به اداره ثبت شرکت‌ها به صورت کتبی اطلاع داده می‌شود، تا وقتی که اطلاع داده نشده عملیاتی که نمایندگان سابق به نام شرکت و اراده قانونگذار و فلسفه وجودی نهاد بازرسی و صرفه و صلاح جمیع ذینفعان به طور قطع و یقین هیچ مستند مصرح و ضمنی، مبنی بر عدم تسری مأموریت بازرس سابق به پس از یک سال یعنی تا زمان انتخاب بازرس لاحق وجود ندارد و تاکنون دلایل متقن، عقلایی و منطقی در رد نظریه تسری مأموریت بازرس یا بازرسان پس از انقضای مدت مأموریت آنها مشاهده نشده است. واقعیت آن است که بازرسان را باید حافظ حقوق و منافع همه گروه‌های ذی نفع در شرکت دانست. النهایه به مصرحات مواد ۱۴۴ و ۱۵۳ و ۱۴۶ و لایحه اصلاحی قانون تجارت ۱۳۴۷ و مواد ۵۶ قانون شرکت‌های تعاونی مصوب سال ۱۳۵۰ و اصلاحات سالهای ۱۳۵۲ و ۱۳۴۵ و ۶۱ و قانون و اساسنامه شرکت ملی نفت ایران مصوب ۱۳۹۵/۱/۲۳ و ماده ۳۰ اساسنامه بانک قرض‌الحسنه رسالت و ماده ۲۷ اساسنامه شرکت سهامی آب البرز و تبصره ۳ ماده ۵۰ اساسنامه شرکت بورس کالاهای ایران و ماده ۴۵ شرکت ارتباطات سیار ایران تبصره ۳ ماده ۳۶ اساسنامه شرکت تعاونی تولیدی زرین آرشیا گلستان، به وضوح احراز می‌شود که اراده قانونگذار ادامه مأموریت بازرس سابق تا انتخاب و بازرس لاحق ممتد و مستمر می‌باشد. با امعان نظر به جمیع جهات و تحقیقات میدانی و تجربه شخصی ۱۵ ساله محقق در امر بازرسی شرکت‌های سهامی، نگارنده موافق نظریه تسری مأموریت بازرسان به پس از انقضای مدت مأموریت است و به عبارت دیگر با انقضای مدت مأموریت بازرسان مامورت آنان تا انتخاب و قبول سمت بازرسی توسط بازرس جدید و انجام تشریفات در اداره ثبت شرکت‌ها و نشر آگهی در روزنامه رسمی ادامه دارد و درنهایت جمع بندی را به این صورت میتوان بیان نمود:

ماده ۱۴۴ مدت مأموریت بازرس را یک سال مالی تعیین کرده است، اما درباره وضعیت پس از پایان

این دوره سکوت دارد. از این سکوت دو نظریه متعارض شکل گرفته است:

نظریه اول: عدم استمرار مأموریت: طرفداران این نظریه^۱ معتقدند، نص «هر سال» در ماده ۱۴۴ دلالت بر انقضای سمت دارد. استمرار بدون نص قانونی مجاز نیست؛ شرکت در صورت نیاز می‌تواند از دادگاه درخواست نصب بازرس کند. اشکالات این نظریه این است که با ماده ۱۵۳ که وجود گزارش بازرس را شرط اعتبار صورت‌های مالی می‌داند، ناسازگار است، باعث تعطیلی رکن نظارتی می‌شود و با فلسفه حقوق تجارت و نظریه نمایندگی سازگار نیست.

نظریه دوم: استمرار مأموریت تا انتخاب جانشین: این نظریه که اکثریت دکترین^۲ از آن دفاع می‌کنند، معتقد است الف) نبود بازرس موجب بطلان تصمیمات مجمع می‌شود (ماده ۱۵۳). ب) قانون‌گذار در قوانین دیگر مانند ماده ۲۶۳ قانون اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری (۱۳۹۲)، ماده ۵۶ قانون شرکت‌های تعاونی (۱۳۵۰) و ماده ۶۱ اساسنامه شرکت ملی نفت (۱۳۹۵)، به صراحت استمرار مأموریت را پذیرفته است. ج) حقوق تطبیقی نیز استمرار را ضروری می‌داند. این نظریه با فلسفه نظارت و مصلحت شرکت نیز سازگارتر است.

۸-۵. اختیارات بازرس پس از انقضای مدت مأموریت

با توجه به دلایل ذکرشده در رد نظریه عدم تسری مأموریت بازرس پس از انقضای مدت مأموریت و به علاوه دلایل مبنی بر تایید نظریه تسری ادامه مأموریت بازرس به پس از انقضای مدت مأموریت و با توجه به صراحت قسمت آخر ماده ۱۴۴ لایحه اصلاحی قانون تجارت مبنی بر تعیین جانشین بازرس در صورت عزل آنان و ماده ۵۶ قانون شرکت‌های تعاونی مصوب سال ۱۳۵۰ و اصلاحات بعد از آن و قانون اساسنامه شرکت ملی نفت مصوب سال ۱۳۹۵ و قانون اشخاص حقوقی شرکت‌های تجاری سال ۱۳۹۲ و سایر مقررات که در بخش‌های قبلی تا تعیین جانشین کماکان با تمام اختیاراتی که قبل از انقضای مدت داشته است تا انتخاب و یا تعیین جانشین در صورت عزل توسط مجمع عمومی و یا دادگاه را خواهند داشت. زیرا بازرس بدون اختیار بازرسی منطقی قابل تصور نیست و با فلسفه و مأموریت ذاتی بازرس و اراده قانونگذار مغایرت دارد، لذا بازرس پس از انقضای مدت مأموریت همان اختیاراتی را دارد که قبل از انقضای مدت مأموریت داشته است.

تحلیل حقوق تطبیقی

در حقوق فرانسه: ماده L.۸۲۳-۱ صراحتاً مأموریت بازرس را تا تعیین جانشین ادامه‌دار می‌داند. فلسفه این مقرر، جلوگیری از خلأ نظارتی است. بازرس در دوره فترت، همه اختیارات گذشته خود را دارد، مگر اعمال تصرف مالی^۲. در حقوق مصر نیز، قانون شرکت‌ها (قانون ۱۹۸۱/۱۵۹) مقرر می‌کند که بازرس تا

۱. مانند پاسبان، ۱۳۹۳: ۴۸

۲. ستوده تهرانی، ۱۳۸۸؛ فرحناکیان، ۱۳۹۵

تعیین بازرس جدید باقی می‌ماند. این تطبیق، نظریه استمرار را تقویت می‌کند.

نقد و تحلیل رویکرد رویه قضایی ایران

بررسی آراء محاکم نشان می‌دهد که برخی شعب دادگاه‌های حقوقی، در پرونده‌هایی که مجمع عمومی بدون گزارش بازرس تشکیل شده، مصوبات مجمع را بی‌اعتبار دانسته‌اند (رای شعبه ۲۶ دادگاه تجدیدنظر تهران، شماره ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۶۰۰۲۶۳، مورخ ۱۳۹۲/۱۰/۲۵). این رویه مؤید ضرورت استمرار مأموریت بازرس تا زمان انتخاب جانشین است؛ هرچند در فقدان تصریح قانونی، تشتت آراء وجود دارد. تحلیل این رویه‌ها نشان می‌دهد که دیدگاه قضایی ایران به صورت ضمنی با نظریه استمرار هماهنگ است. ضمناً پیشنهاد می‌شود ماده ۱۴۴ لایحه اصلاحی قانون تجارت با الحاق تبصره‌ای اصلاح گردد: در صورت عدم انتخاب بازرس جدید، بازرس پیشین تا زمان تعیین جانشین و حداکثر تا سه ماه بعد از انقضای مأموریت، با حفظ مسئولیت نظارتی، عهده‌دار وظایف خود خواهد بود، این پیشنهاد هم‌سو با مبانی حقوق تطبیقی^۲ و نظریه استمرار در دکترین ایرانی است.^۳

۶. نتیجه‌گیری و توصیه‌های سیاستی

همانگونه که در نوشتار حاضر بیان شد در مورد ادامه مأموریت بازرس پس از انقضای مدت مأموریت دو نظریه وجود دارد. طرفداران نظریه نخست اعتقاد دارند، با گذشت یک سال از زمان انتخاب بازرس مأموریت وی خاتمه می‌یابد طرفداران این نظریه معتقدند قانونگذار به موجب ماده ۱۴۴ لایحه اصلاحی قانون تجارت تصریح نموده، مجمع عمومی در هر سال یک یا چند نفر بازرس را انتخاب می‌کند. بنابراین مدت مأموریت بازرس فقط یک سال می‌باشد در نتیجه شرکت تا انتخاب بازرس جدید بدون بازرس به فعالیت خود ادامه می‌دهد، در این صورت هر ذینفع می‌تواند از دادگاه تقاضای نصب بازرس نماید. نظریه دوم بر عکس نظریه نخست می‌باشد. طرفداران نظریه دوم معتقد به تسری ادامه مأموریت بازرس به پس از انقضای مدت یک سال در شرکت‌های تجاری هستند و معتقدند که با گذشت یک سال از مأموریت بازرس و یا بازرسان، مأموریت آنان خاتمه نمی‌یابد و مأموریت بازرس سابق تا انتخاب بازرس جدید توسط مجمع عمومی و یا انتصاب بازرس جدید توسط دادگاه و ثبت تغییرات آن در مرجع ثبت شرکت‌ها ادامه می‌یابد در قانون اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری و قانون و اساسنامه شرکت ملی نفت ایران، که حاکی از آخرین اراده قانونگذار است، به این موضوع توجه نموده است. مع الوصف، به نظر می‌رسد نظریه اول با اراده قانونگذار منافات دارد، زیرا عقلایی و منطقی نیست و با فلسفه وجودی رکن نظارتی شرکت سازگاری ندارد و با منافع صاحبان سهام و هر ذینفعی در تضاد است از سوی دیگر شخصیت حقوقی شرکت بدون بازرس کامل نیست و حیات شخصیت حقوقی شرکت‌های تجاری منوط

1. Merle & Fauchon, 2017

2. Lamy, 2019, p. 325

به وجود بازرس می‌باشد و به صراحت ماده ۱۵۳ لایحه اصلاحی قانون تجارت صحت اعمال حقوقی مدیران شرکت به تایید بازرس بستگی دارد. دلایلی در رد نظریه عدم تسری و همچنین دلایلی بر تایید نظریه تسری مأموریت بازرس به بعد از انقضای مدت مأموریت ارائه شد. به موجب قسمت آخر ماده ۱۴۴ مشروط نمودن عزل بازرس به تعیین جانشینی، بدان معناست که اراده قانونگذار براین است، مادامی که جانشین برای بازرس معین نشده است، مجمع عمومی حق عزل بازرس ندارد و بازرس کما فی السابق دارای مسئولیت می‌باشد، زیرا خواست قانونگذار این است که هیچ‌گاه نباید رکنی از ارکان شرکت ناقص باشد. چون نقص رکن موجب فساد اعمال سایر ارکان شرکت است. با مذاقه به موارد ذکر شده در مقاله حاضر و با توجه به مصرحات مواد ۱۴۴ و ۱۵۳ و ۱۴۶ و لایحه اصلاحی قانون تجارت ۱۳۴۷ و ماده ۲۶۳ قانون اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری (کتاب دوم قانون تجارت ۱۳۹۲) و تبصره ۳ ماده ۳۶ اساسنامه شرکت تعاونی تولیدی زرین آرشیا گلستان و ماده ۶۱ قانون اساسنامه شرکت ملی نفت ایران و همچنین تبصره ۳ ماده ۵۰ اساسنامه شرکت کالای بورس ایران و ماده ۵۶ قانون شرکت‌های با خاتمه مدت مأموریت بازرسان تا زمانی که بازرسان جدید انتخاب نشده‌اند بازرسان قبلی کماکان مسئولیت انجام وظایف محوله را بر عهده خواهند داشت. در نتیجه بازرس سابق تا انتخاب جانشین برای آن با تمام اختیارات، کما فی السابق ممتد و مستمر می‌باشد. بنابراین مأموریت بازرسان پس از انقضای مدت مأموریت با تمام اختیارات قانونی که دارند تا انتخاب بازرس جدید، در شرایط عادی و تعیین جانشین در صورت عزل توسط مجمع عمومی و یا نصب به وسیله دادگاه و ثبت تغییرات آن در مرجع ثبت شرکت‌ها ادامه می‌یابد. استمرار مأموریت بازرس در دوره فترت نه تنها با اصول نمایندگی و منافع سهامداران تعارضی ندارد، بلکه تضمین‌کننده تداوم نظارت است. با این حال، لازم است محدوده اختیارات بازرس در این دوره تعریف شود تا از هرگونه تداخل با اختیارات مدیران جلوگیری گردد و تصویب اصلاحیه پیشنهادی ماده ۱۴۴ می‌تواند ضمن ایجاد وحدت رویه، از تضییع حقوق ذی‌نفعان جلوگیری کند. بنابراین با تحلیل مقررات قانونی، دکنترین معتبر و حقوق تطبیقی، می‌توان این نتیجه‌گیری را گرفت: سکوت ماده ۱۴۴ ناظر به شرایط عادی است، نه وضعیت اختلال در تشکیل مجمع. فلسفه وجودی رکن نظارتی و ماده ۱۵۳ مانع از تعطیلی بازرسی می‌شود. قواعد خاص شرکت‌های تعاونی، دولتی و اساسنامه‌های جدید، استمرار مأموریت را پذیرفته‌اند. بنابراین، بازرس سابق تا انتخاب و ثبت رسمی جانشین، با تمام اختیارات نظارتی، در سمت باقی می‌ماند.

توصیه‌های سیاستی

پژوهش حاضر نشان داد که خلأ قانونی موجود در ماده ۱۴۴ لایحه اصلاحی قانون تجارت و سکوت قانون‌گذار نسبت به وضعیت بازرس در دوره پس از انقضای مأموریت، موجب بروز اختلاف نظرهای جدی و ایجاد ناپایداری در ساختار حکمرانی شرکتی شده است. استمرار یا قطع اختیارات بازرس در دوره فترت نه تنها یک مسئله نظری، بلکه موضوعی با پیامدهای مالی، اقتصادی و تجاری گسترده است. از این رو، لازم است نتایج پژوهش در سطح سیاست‌گذاری‌های کلان حقوق تجارت انعکاس یابد. بر این

مبنا، پیشنهادهای سیاستی زیر ارائه می‌شود:

۱. اصلاح ماده ۱۴۴ لایحه اصلاحی قانون تجارت. چرا این اصلاح ضروری است؟ الف) ماده ۱۴۴ فقط «مدت» مأموریت را تعیین کرده و درباره «وضعیت بعد از انقضا» سکوت دارد. ب) این سکوت باعث عدم قطعیت حقوقی، اختلال در حسابرسی شرکت‌ها و امکان سوءاستفاده مدیران فاقد نظارت می‌شود. ج) رویه عملی شرکت‌های بزرگ و شرکت‌های دولتی در ایران ادامه مأموریت را پذیرفته است، اما این رویه پشتوانه قانونی روشن ندارد. د) در حقوق تطبیقی (فرانسه، مصر، بلژیک) ادامه مأموریت بازرس تا تعیین جانشین تصریح شده است. متن پیشنهادی برای اصلاح "در صورتی که مجمع عمومی شرکت بازرس یا بازرسان جدید را انتخاب نکند، بازرس یا بازرسان سابق تا زمان تعیین جانشین و ثبت رسمی، عهده‌دار وظایف قانونی خواهند بود. این اصلاح باعث می‌شود: خلأ نظارتی رفع شود، صورت‌های مالی معتبر باقی بماند، اعتبار اسناد تجاری شرکت تضمین شود و نظام حاکمیت شرکتی ایران با استانداردهای جهانی سازگار گردد.
۲. تدوین آیین‌نامه «حدود اختیارات بازرس در دوره فترت، حتی اگر استمرار مأموریت پذیرفته شود، حدود اختیارات بازرس در این دوره باید شفاف باشد؛ زیرا: اختیارات بیش از حد -تداخل با اختیارات مدیران- اختیارات کمتر - بی‌اثر شدن نقش نظارتی. چه باید در این آیین‌نامه تعیین شود؟ اقدامات نظارتی مجاز مانند بررسی دفاتر، گزارش تخلفات، اعلام عدم صحت صورت‌های مالی، اقدامات غیرمجاز مانند امضای اسناد مالی، اعمال تصرف در دارایی‌ها، محدوده زمانی مسئولیت، سازوکار گزارش‌دهی به مرجع ثبت و سهامداران، تکلیف مدیران به همکاری با بازرس در دوره فترت. این آیین‌نامه منجر به کاهش اختلافات حقوقی، شفاف‌سازی نقش بازرس، افزایش قابلیت اجرای مقررات و کاهش سوءبرداشت مدیران و سهامداران می‌گردد.
۳. ایجاد «سامانه ملی اعلام پایان دوره مأموریت بازرسان» در سازمان ثبت شرکت‌ها در بسیاری از شرکت‌ها: پایان دوره مأموریت بازرسان اعلام نمی‌شود، شرکت‌ها ماه‌ها یا سال‌ها بدون بازرس معتبر باقی می‌مانند، سهامداران اقلیت دسترسی به اطلاعات ندارند، مدیران بدون نظارت فعالیت می‌کنند بنابراین کارکرد سامانه: الف) ثبت تاریخ انقضای دقیق مأموریت بازرسی ب) ارسال هشدار خودکار به شرکت برای انتخاب بازرس جدید ج) امکان مشاهده آخرین وضعیت برای سهامداران د) شفاف‌سازی و کاهش امکان سوءاستفاده مدیران و ضبط مستندات نظارتی و گزارش‌ها
۴. استانداردسازی وظایف بازرس و آموزش تخصصی
بازرسان در اکثر شرکت‌ها آموزش تخصصی کافی ندارند، با استانداردهای بین‌المللی حسابرسی آشنا نیستند، نقش نظارتی خود را نمی‌دانند. بنابراین ایجاد دوره‌های آموزشی رسمی تحت نظارت قوه قضاییه و وزارت اقتصاد، تدوین کد اخلاق حرفه‌ای بازرسان، الزام شرکت‌ها به

انتخاب بازرسان دارای گواهی صلاحیت حرفه‌ای، آموزش بازرس برای دوره فترت (تمدید، حدود اختیارات، مسئولیت‌ها) ضروری است. لذا این پیشنهاد با توجه به افزایش کیفیت گزارش‌ها، کاهش مسئولیت‌های مدنی و کیفری، ارتقای سلامت مالی شرکت‌ها، سازگاری با الگوهای فرانسه و انگلستان اهمیت زیادی پیدا می‌کند.

دسترسی به داده‌ها

داده‌های استفاده شده یا تولید شده در این پژوهش در متن مقاله ارائه شده است.

تضاد منافع نویسندگان

نویسندگان این مقاله اعلام می‌دارند که هیچ‌گونه تضاد منافی در رابطه با نویسندگی و یا انتشار این مقاله ندارند.

منابع

- اسکینی، ربیعا. (۱۳۸۹). حقوق تجارت (شرکت های تجاری). تهران: سمت.
- علیزاده، عباس، و اسدی عطایی، معصومه. (۱۳۹۵). مقررات تعاونی ها. آرمان خرد.
- عیسایی تفرش، م. (۱۳۷۸). مباحث تحلیلی از حقوق شرکت های تجاری. تهران: انتشارات دانشگاه تربیت مدرس.
- عرفانی، محمود. (۱۳۷۴). حقوق تجارت. تهران: مؤسسه نشر جهاد دانشگاهی.
- پاسبان، محمدرضا. (۱۳۹۳). حقوق شرکت های تجاری. تهران: سمت.
- فرحناکیان، حسین. (۱۳۹۵). حقوق شرکت های تجاری (تحلیل اقتصادی و تطبیقی). تهران: میزان.
- فرحناکیان، فرشید. (۱۳۹۱). قانون تجارت در نظم کنونی (چاپ پنجم). تهران: بنیاد حقوقی میزان.
- حسینی، حسن. (۱۳۸۰). حقوق تجارت. تهران: نشر میزان.
- دمرچیلی، محمد، حاتمی، علی، و قرائی، محسن. (۱۳۸۸). قانون تجارت در نظم حقوقی کنونی (چاپ نهم). مؤسسه تحقیقاتی حقوقی میثاق عدالت.
- ستوده تهرانی، حسن. (۱۳۸۸). حقوق تجارت (شرکت های سهامی). تهران: دادگستر.
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۷). اعمال حقوقی در نظم حقوقی کنونی. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۷). حقوق مدنی: اموال و مالکیت. تهران: بنیاد حقوقی میزان.
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۸). قواعد عمومی قراردادها. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۸). قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی (چاپ بیست و یکم). تهران: میزان.
- کاو یانی، کورش. (۱۳۸۶). حقوق شرکت های تجاری. تهران: انتشارات میزان.
- صفری، محمد. (۱۳۹۰). حقوق بازرگانی (شرکت ها). تهران: شرکت سهامی انتشار.
- Act on the Establishment of the Imperial Inspectorate Organization. Tehran: Official Gazette. (In Persian)
- Act on the Establishment of the State Inspectorate Organization and its subsequent amendments. Tehran: Official Gazette. (In Persian)
- Alborz Regional Water Company. (n.d.). Articles of association. (In Persian)
- Alizadeh, A., & Asadi-Ataei, M. (2016). Cooperative regulations. Arman-e Kherad. (In Persian)
- Amended bill of the Commercial Code (1968). Tehran: Official Gazette. (In Persian)
- Amendment to Article 241 of the Amended Commercial Code (1968). Tehran: Official Gazette. (In Persian)
- Bylaw on the Implementation of Note to Article 144 of the Amended Commercial Code (1968). Tehran: Official Gazette. (In Persian)
- Charter of the National Iranian Oil Company. Tehran: Official Gazette. (In Persian)

- Company Registration Act (1931). Tehran: Official Gazette. (In Persian)
- Constitution of the Persian Constitutional Revolution (1906). Tehran: Official Gazette. (In Persian)
- Cooperative Companies Act (1971). Tehran: Official Gazette. (In Persian)
- Cooperative Sector of the Economy of the Islamic Republic of Iran Act. Tehran: Official Gazette. (In Persian)
- Cozian, M., Viandier, A., & Deboissy, F. (2016). *Droit des sociétés*. Paris: LexisNexis.
- Demarchili, M., Hatami, A., & Gharaei, M. (2009). *The Commercial Code in the current legal order* (9th ed.). Misaq-e Edalat Legal Research Institute. (In Persian)
- Directive on the Establishment of Public Joint-Stock Cooperative Companies. Tehran. (In Persian)
- Eisaei Tafreshi, M. (1999). *Analytical discussions on commercial companies law*. Tarbiat Modares University Press. (In Persian)
- Erfani, M. (1995). *Commercial law*. Institute for Publishing of Jihad-e Daneshgahi. (In Persian)
- Executive bylaw on the procedure for holding general assemblies under Note 5 to Article 19 of the Cooperative Act. Tehran. (In Persian)
- Executive bylaw on the procedure for holding general assemblies under Note 3 to Article 33 of the Cooperative Act. Tehran. (In Persian)
- Farahnakhian, F. (2012). *The Commercial Code in the current legal order* (5th ed.). Mizan Law Foundation. (In Persian)
- Farahnakhian, H. (2016). *Commercial companies law: Economic and comparative analysis*. Mizan Publishing. (In Persian)
- Hasani, H. (2001). *Commercial law*. Nashr-e Mizan. (In Persian)
- Iran Mercantile Exchange. (n.d.). *Articles of association*. (In Persian)
- Katouzian, N. (2008a). *Legal acts in the current legal order*. Sherkat-e Sahami-ye Entehshar. (In Persian)
- Katouzian, N. (2008b). *Civil law: Property and ownership*. Mizan Law Foundation. (In Persian)
- Katouzian, N. (2009a). *General rules of contracts*. Sherkat-e Sahami-ye Entehshar. (In Persian)
- Katouzian, N. (2009b). *Civil Code in the current legal order* (21st ed.). Nashr-e Mizan. (In Persian)
- Kaviani, K. (2007). *Commercial companies law*. Mizan Publishing. (In Persian)
- Lamy, J.-Cl. (2019). *Droit des sociétés commerciales*. Paris: Dalloz. *Legal Persons and Commercial Companies Act* (Book II of the Commercial Code). Tehran: Official Gazette. (In Persian)
- Markazi Regional Water Company. (n.d.). *Articles of association*. (In Persian)

- Merle, P., & Fauchon, F. (2017). *Droit commercial: Sociétés commerciales*. Paris: Dalloz.
- Mobile Telecommunication Company of Iran. (n.d.). Articles of association. (In Persian)
- Paseban, M. R. (2014). *Commercial companies law*. SAMT. (In Persian)
- Resalat Qarz al-Hasanah Bank. (n.d.). Articles of association. Retrieved from <https://rqbank.ir/tab-180/> (In Persian)
- Safaei, M. (2011a). *Commercial law (Companies)*. Sherkat-e Sahami-ye Entehshar. (In Persian)
- Safaei, M. (2011b). *Commercial law: Companies*. Sherkat-e Sahami-ye Entehshar. (In Persian)
- Sekhni, R. (2010). *Commercial law (Commercial companies)*. SAMT. (In Persian)
- Setoudeh Tehrani, H. (2009). *Commercial law (Joint-stock companies)*. Dadgostar. (In Persian)
- Tehran Province Telecommunication Company. (n.d.). Articles of association. Retrieved from <http://www.tct.ir/index.jsp> (In Persian)
- Zarrin Arshia Golestan Production Cooperative Company (Private Joint-Stock). (n.d.). Articles of association. (In Persian)

مدیران شرکت های تجاری، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۵۱، صفحات ۱۲۷ تا ۱۶۴.

پاسبان، محمدرضا (۱۳۹۳). «آثار اعمال حقوقی مدیران و مدیرعامل شرکت های سهامی پس از انقضای دوره مأموریت». فصلنامه دیدگاه های حقوقی و قضایی، شماره ۶۷، ص. ۴۵-۵۰.

قانون تجارت، لایحه اصلاحی ۱۳۴۷

قانون ثبت شرکت ها ۱۳۱۰

قانون اساسی مشروطه ۱۴ ذی القعدة ۱۳۲۴

قانون تشکیل سازمان بازرسی شاهنشاهی مصوب ۱۳۴۷، ۲، ۳۱

قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور ۱۳۶۰ و اصلاحات بعدی (۱۳۷۵ و ۱۳۸۷)

قانون اساسنامه شرکت ملی نفت ایران مصوب ۱۳۹۵/۱/۲۳

قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۰/۶/۱۳

قانون شرکت های تعاونی سال ۱۳۵۰

قانون اصلاحیه ماده ۲۴۱ لایحه اصلاحی قانون تجارت ۱۳۴۷ مورخه ۱۳/۷/۱۳۹۴

قانون اشخاص حقوقی و شرکت های تجاری (کتاب دوم قانون تجارت مصوب ۱۳۹۲)

آیین نامه اجرای تبصره ماده ۱۴۴ لایحه قانونی اصلاحی قانون تجارت ۱۳۴۷/۱۲/۲۴

آیین نامه اجرایی نحوه برگزاری مجامع عمومی قانون تعاون تبصره ۵ ماده ۱۹

آیین نامه اجرایی نحوه برگزاری مجامع عمومی تبصره ۳ ماده ۳۳ قانون تعاون

دستورالعمل تشکیل شرکت‌های تعاونی سهامی عام مهرماه ۱۳۸۸
اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای البرز
اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای مرکزی
www.tct.ir/index.jsp اساسنامه شرکت مخابرات استان تهران
اساسنامه بانک قرض الحسنه رسالت /tab-rqbank.ir-۱۸۰/
اساسنامه شرکت ارتباطات سیار ایران
اساسنامه شرکت بورس کالای ایران
اساسنامه تعاونی تولیدی زرین آرشیا گلستان، سهامی خاص